

## نگاهی به اقتصاد مقاومتی ، ضرورت ها و اهداف

### مقدمه:

امروزه جمهوری اسلامی در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ عنوان تاکنون چه در عرصه‌ی نظر و در کتاب‌های درسی و چه در عرصه‌ی عمل و تجارب بشری مشابه و مابه‌ازای واقعی نداشته است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است.

اگر تمام دانش انباشته و کتاب‌های مرسوم اقتصادی دنیا را مطالعه کنید، نظریه یا تجربه‌ای مدون و مکتوب درباره‌ی اقتصاد مقاومتی نخواهید یافت. در تمام متون و کتاب‌های اقتصاد، هیچ پیشینه‌ای نظری یا عملی از تحریم بانک مرکزی نخواهید دید و از آن‌جا که این امر تاکنون سابقه نداشته، چگونگی واکنش به آن هم امری بدیع است. حتی اگر مطالعاتی هم در این باره صورت گرفته باشد، در طبقه‌بندی‌های محرمانه و امنیتی قرار گرفته و امکان دسترسی به آن برای کارشناسان معمولی وجود ندارد. نتیجه اینکه اقتصاددان انقلاب اسلامی نمی‌تواند از نظریه‌های متداول برای حل مشکل و مسأله‌ی خود بهره بگیرد. لذاست که جنبش نرم‌افزاری و الگوی اسلامی-ایرانی اداره‌ی جامعه، شکل بدیعی به خود می‌گیرد که الهام‌بخش جمیع ملت‌های آزاده خواهد بود.

اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده می‌باشد. در شرایطی که صادرات و واردات هیچ کدام برای آن کشور مجاز نمی‌باشد.

### معرفی اقتصاد مقاومتی:

اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تاثیرها می‌باشد و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تاکید گردد. طبق نظر دولتمردان ایران در تعریف اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی نیاز است

این روش اقتصادی از نظر تعریف با اقتصاد ریاضتی تفاوت دارد.

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تاکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

و صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود. بنابراین مسئولان و اندیشمندان باید مراقب باشند در راه رسیدن به اقتصاد پویا در دام اقتصاد بسته و خود محور نیفتند.

در تعریف دیگر اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر و راهکارهایی است که برای پیشبرد امور اقتصادی در شرایط مقاومت در همه زمینه‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شود. تعریف دیگر اقتصاد مقاومتی عبارتست از: سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های اقتصادی معطوف به پایداری در همه سطوح با فرض فشار همه جانبه نظام سلطه.

دکتر رهبری رئیس دانشگاه علوم اقتصادی در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌گوید: «اقتصاد» مقاومتی یعنی اینکه مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی حرکت کنند. دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمع مردم شهر ری و در هفته دفاع مقدس در باره اقتصاد مقاومتی اظهار داشت: این اقتصاد به معنای اقتصاد ریاضتی نیست بلکه باید با اصلاح مدیریت اقتصادی، تغییر در قوانین و مقررات و برخورد قوه قضاییه با مفسدان اقتصادی در شرایط تحریم تولید ثروت داشته باشیم و مردم را در آسایش نسبی قرار دهیم.

به بیان دیگر چکش کاری بدنه اقتصادی کشور و ایرانیزه کردن سیستم اقتصادی به گونه‌ای که در مقابل هرگونه تحریم و فشارهای همه جانبه خارجی به اقتصاد کشور گزندی وارد نشود در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد.

### **تاریخچه:**

در غزه

اصطلاح اقتصاد مقاومتی اولین بار در سال ۲۰۰۵ پس از محاصره غزه توسط اسرائیل که مواد غذایی و نهاده‌های اولیه برای تولید و پیشرفت اقتصادی را نیز شامل می‌شد و ناتوانی غزه در صادرات، امکان صادرات و کشت بسیاری از محصولات کشاورزی از جمله توت فرنگی را کاهش داده بود مورد استفاده قرار گرفت و ضوابط و معیارهای حاکم بر مفهوم اقتصاد مقاومتی شناسایی گردید.

در ایران

پس از تشدید تحریمها علیه ایران در سالهای اخیر این شیوه توسط حکومت ایران ترویج می‌شود و در اقتصاد مقاومتی هدف استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریمها با ایجاد کمترین بحران است.

### **ریاضت اقتصادی چیست؟**

ریاضت اقتصادی به طریقی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی، صرفه جویی در مخارج جاری کشور، کاهش هزینه‌های رفاهی و تعدیل کارمندا در بخش دولتی دست می‌زنند که یونان و ایتالیا به خصوص یونان در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم میکند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد.

اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده اش ریاضت و سختی تحمیل شود، در ظاهر اصلا کار خوشایندی به نظر نمی رسد، اما ، می تواند به بازایی درازمدت اقتصاد کمک کند. هدف از اجرای طرح های ریاضت اقتصادی بازگرداندن اعتماد از دست رفته، بهبود وضعیت مالی کشورها و توانمند کردن کشورها برای بازایی طولانی مدت است.

### **ویژگی های اقتصاد ریاضتی:**

۱۰ شرایط رویش طرح ریاضت اقتصادی: در شرایط کسری بودجه، بحران اقتصادی و شیب تند سقوط شاخص های اقتصادی.

۲۰ هدف طرح ریاضت اقتصادی: کاهش هزینه های خود و جبران کسری بودجه.

### **ریاضت چه عایدی برای اقتصاد دارد؟**

از جمله نتایجی که اجرای طرح های ریاضتی بر اقتصاد دارد، می توان موارد زیر را نام برد:

کاهش تقاضا ، کاهش تورم، رقابتو مقابله با کسری بودجه

اثر ریاضت اقتصادی خود را به صورت انعطاف پذیری بازارکار، هزینه هایی که کاهش می یابد، سیاست های

پولی، نرخ ارز، رشد جهانی و مداخله بانک مرکزی خود را نشان می دهد

یکی از روش های رسدن به اقتصاد مقاوتی از راه صرفه جویی است نه ریاضت؛ در حال حاضر ما شاهد آن هستیم

که برخی مدیران به اشتباه ریاضت را به جای مقاومت و صرفه جویی در دستور کار خود قرار داده که میتوان به

عدم آگاهی آنان از این دو مفهوم اشاره کرد.

بنابراین اگرچه اقتصاد ایران شاید ناچار شود در دراز مدت به سیاست های ریاضتی روی بیاورد، اما اقتصاد

مقاومتی و ریاضت اقتصادی دو مفهوم جداگانه و مستقل است که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند

شد.

در اقتصاد مقاومتی محدودیتی در منابع وجود ندارد اما استفاده بهینه از منابع موجود باید طی یک برنامه

زمان بندی شده صورت گیرد و این در حالیست که در ریاضت اقتصادی ما با محدودیت در منابع و سرمایه ها

روبه رو هستیم و به ناچار باید با سهمیه بندی و کم مصرف کردن با محدودیت های موجود مقابله کنیم. در اقتصاد

مقاومتی قوای سه گانه باید با تعامل بیش از گذشته در یک مجموعه ای که وظیفه هدایت کار اقتصاد مقاومتی را بر

عهده دارد، تصمیمات لازم در این ارتباط را اتخاذ کرده و برای اجرا به دستگاه های ذیربط ابلاغ کنند. هر یک از قوا

باید با مرور وظایف خود نسبت به رفع چالش ها و موانع در اقتصاد مقاومتی اقدام کرده و هر یک از آنها تعامل با

قوای دیگر را در برنامه کاری خود قرار دهند.

ریاضت اقتصادی هم به معنای آن است که بار سختی مشکلات اقتصادی بر روی دوش مردم قرار بگیرد نه طراحان

برنامه های اقتصادی و دستگاه اجرایی. اما اقتصاد مقاومتی آن است که بار سختی ها بر دوش طراحان، برنامه

ریزان و مجریان طرح اقتصادی است و مسلما تفاوت فاحشی بین این دو طرح است.

### **اقتصاد موازی:**

تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه ای «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز

خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته های امداد، جهاد سازندگی، سپاه

پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده‌ی نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کارویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم.

این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. کما اینکه اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه‌ی سیاستگزاری و اداره‌ی امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه‌ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه‌ی اجرا با سؤالات نوینی روبه‌رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه‌ی پولی- مالی کشور در دو لایه‌ی دولتی و عمومی وجود ندارد. اما باز هم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره‌ی مدل‌های اداره‌نشده‌ی و غیرمعمول به حساب آورد.

#### **اقتصاد ترمیمی:**

تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که «پتروس فداکار» با فروبردن انگشت خود در ترک دیواره‌ی سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسأله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به‌طوری که امروزه با قیمت‌های بالای یک‌صد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه‌ی ملی و ارزشی هستیم.

#### **اقتصاد دفاعی:**

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی

دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

### **اقتصاد الگو:**

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود. البته همه‌ی این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی به نوعی با هم رابطه‌ی «عموم و خصوص من‌وجه» دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را نیز برایمان به تصویر می‌کشند.

### **۱۰ نکته درباره تحقق اقتصاد مقاومتی:**

برای شناخت بسترها و زمینه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی، ابتدا باید به آسیب‌شناسی اقتصاد کشور و موانع و نیازمندی‌های تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخت. اولین نیاز این است که مرکزیت و محوریتی برای فعالیت در عرصه‌ی اقتصاد مقاومتی داشته باشیم. فعالان این عرصه باید بتوانند اطلاعات و دستاوردهای خود را در جایی به اشتراک بگذارند. فرماندهی هوشمند و متمرکز برای هدایت فعالیت‌های این حوزه و شناسایی و آموزش نیروهای مستعد و مناسب برای فعالیت علمی و عملیاتی در این عرصه لازم است. سامانه‌ای پویا و هوشمند برای این مسأله وجود داشته باشد. مراکز چگون‌شورای عالی امنیت ملی که در این موضوع ورود خوبی داشته‌اند، بایستی با عنایت به مسائل فوق در کمک گرفتن از دیگر نیروها پویا و چابک باشند.

نیاز دوم آن است که فعالیت در عرصه‌ی اقتصاد مقاومتی نیاز به رصد و دیده‌بانی فضای اقتصادی داخلی و بین‌المللی و نیز گردآوری آمارهای دقیق و روزآمد دارد. ضمناً برای این‌که به این دو برسیم، به شاخص‌های بومی نیاز داریم تا میزان مقاومت و آسیب‌پذیری اقتصادمان را بر اساس آنها شناسایی کنیم و بدانیم این اقتصاد ما تا چه اندازه می‌تواند در برابر فشارها مقاومت کند و این سد اقتصادی چه میزان فشار را می‌تواند تحمل کند؟ اقتصاد غربی برای خودش شاخص دارد و ما به شاخص‌های بومی متناسب با این مسائل بومی خودمان نیاز داریم؛ کاری که از جوانان ما به‌خوبی برمی‌آید.

مسأله‌ی سوم، ضرورت طراحی یک الگوی مشخص از شیوه‌ی زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم و به‌ویژه برای مدافعان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است؛ آنهایی که قائل به صحت و صدق ایده‌ی اقتصاد مقاومتی هستند. یعنی ما چه الگوی مشخصی را برای بدنه‌ای از مردم ارائه می‌دهیم که بدانند نیازها و مقتضیات انقلاب چه نوع سبک زندگی را می‌طلبد؟ ابتدا باید دولت را در سبک‌آدره‌ی امور و سپس این بخش از مردم را به سبک زندگی متناسب با انقلاب تشویق و تأیید کرد تا بدین‌وسیله سبک زندگی متناسب با مقتضیات

انقلاب را در جامعه پُررنگ‌تر کنیم

وقتی یک شیوه‌ی زندگی را بر اساس سه‌گانه‌ی «اعتماد به‌نفس ملی، روحیه‌ی جهادی، و پرهیز از لقمه‌ی حرام» طراحی کردیم، می‌توانیم به کارآمدی آن امیدوار باشیم. توجه به معنویت دینی در این سه‌گانه نقشی اساسی ایفا می‌کند. البته طبیعی است که جنگ نظامی برای مردم ملموس و باورپذیرتر باشد، اما جنگ نرم‌افزاری این‌گونه نیست. بنابراین وجود روحیه‌ی جهادی منبعت از آموزه‌های دینی در آن سبک زندگی بسیار مهم و کلیدی است. در روایات ما این عبارت وجود دارد که اگر کسی در میدان جنگ نبوده باشد یا در دلش حدیث جهاد نخواند، به گونه‌ای از نفاق زندگی را ترک می‌کند.

این شور و حماسه‌ی زندگی مقاوم و جهادی را باید به عرصه‌ی عموم علاقمندان انقلاب بکشانیم تا چهره‌ی زندگی را از اطراف و بی‌تفاوتی بزدابیم. این مهم باید در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اقتصادی متناسب با انقلاب اسلامی پیگیری شود و ما باید نظام تعلیم و تربیت اقتصادی خاص خودمان را برای مقاومت اقتصادی و جهاد اقتصادی، تبیین و طراحی و سپس اجرا کنیم.

بدیهی است اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه‌ی معنوی افراد و جامعه استوار است. بدون معنویت و سلامت معنوی، مقاومت شکننده است. مثال مهم اقتصادی در این زمینه، پرهیز از لقمه‌ی حرام است. لقمه‌ی حرام هر گویی را که از شیوه‌ی زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی ارائه بدهید، بی‌استفاده و بی‌فایده می‌کند. کسی که شکمش از حرام پر باشد، پای هیچ مبارزه و مقاومتی حاضر نخواهد شد. لقمه‌ی حرام مانند یک ویروس کشنده و خطرناک است که ایمنی دستگاه تشخیص و عملکرد افراد را به‌کلی نابود می‌کند. لذا یکی از اهداف اساسی ما باید این باشد که مسیر لقمه‌های حرام و میزان آن را در اقتصاد کشورمان بررسی کنیم و سپس با کانون‌های آن به‌شدت مقابله نماییم.

اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. ضروری است که مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند. اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق ایران اسلامی در عرصه‌ی اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود.

مسأله‌ی چهارم عبارت از این است که نظام آموزشی ما متناسب با اقتصاد مقاومتی عمل کند. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان و نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه تربیت کند. اما متأسفانه در کشور ما این اتفاق به‌خوبی نمی‌افتد. به یک مثال از عملکرد آمریکا در دشمن‌سازی اشاره می‌کنم. وزارت دفاع آمریکا کتابی را در ۴۰۰ صفحه منتشر کرده که موضوعات امنیت ملی آمریکا را در آن برشمرده و توضیح داده است. مخاطبان کتاب هم عموماً معلمان دبیرستان‌های آمریکا هستند و از آنها خواسته شده تا ضمن بحث‌های خودشان به این موارد هم اشاره کنند. یعنی آمریکایی که مشکل امنیتی با همسایگان خود ندارد و اساساً خودش بحران ساز برای دیگران است، با استفاده از نظام آموزش و پرورش خود کاری کرده که در ذهن جوانان و نوجوانان این کشور همواره دغدغه‌ی امنیت اقتصادی و دشمنان اقتصادی مطرح باشد.

حال این سؤال مطرح است که نظام آموزشی ما چه اندازه به دنبال جهادی بارآوردن مخاطبان خویش است و آیا اصلاً فکری برای این دارد که فرزندان این مرز و بوم را جهادگر باریاورد؟! ما نیاز داریم که از سطح پیش‌دبستان برای این مسأله برنامه داشته باشیم. ما به شعر و داستان و کاریکاتورهایی احتیاج داریم که کودکانمان را به این سمت

هدایت کنیم. بنابراین توجه به نظام آموزشی و تربیتی در این عرصه بسیار مهم است.

مورد پنجم هم درباره‌ی نظام رسانه‌ای و تبلیغاتی و تبلیغاتی ما برای رواج آموزه‌های اقتصاد مقاومتی است. ما به نظام تبلیغاتی هماهنگ و منسجمی احتیاج داریم که بتواند این آموزه‌ها را از طریق رسانه‌های رسمی و غیر رسمی مختلف، به خوبی و در بسته‌بندی‌های مناسب به مردم عرضه کند؛ همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس به هر حال دستگاه‌هایی مسئول کاری شبیه این کار بودند و برای آن فکر می‌کردند. بنابراین ما باید از ظرفیت همایش‌ها، سخنرانی‌ها، اینترنت، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و حتی مجالس مذهبی و هیئات برای رسیدن به این مقصود استفاده کنیم. البته باید از شیوه تبلیغات غربی استفاده نکرد چرا که با این حرکت مقاومتی سختی ندارد و در واقع راه کاری برای ارائه ندارد و لازم است که از تبلیغات منحصر به فرهنگ خودمان استفاده کنیم مانند تبلیغات دوران دفاع مقدس و صد البته به روز شده و به سبک زندگی ایرانی اسلامی دهه نود ی.

مسأله‌ی ششم، امکان واکنش سریع نظام اقتصادی ما در برابر حملات اقتصادی است؛ این‌که چقدر توان واکنش به کنش‌ها و حملاتی را داریم که به نظام اقتصادی ما وارد می‌شود و چقدر می‌توانیم در این واکنش سریع استقامت داشته باشیم. اگر بحرانی پیش بیاید، تا چه میزان می‌توانیم مصارف کشور را پایین بیاوریم؟ مردم تا چه اندازه و در چه مدتی می‌توانند خودشان را با این تغییرات هماهنگ کنند؟ قوت‌های ما در این زمینه می‌باید تکمیل و ضعف‌هایمان ترمیم شوند.

مسأله‌ی هفتم، ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. دوباره به تعاریف ابتدای بحث برمی‌گردیم؛ اگر قرار باشد ما اقدام به نهادسازی‌های موازی در اقتصاد مقاومتی کنیم، هیچ لزومی ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد، بلکه ضروری است که مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند. الان که بحث تحریم‌ها و مشکلات مبادله‌ی پول مطرح است، نهادهای اقتصادی مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش بسیار پررنگ و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق ایران اسلامی در عرصه‌ی اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود.

در زمان جنگ جهانی دوم، اقتصاددان‌های معروف آمریکا در واحد اقتصادی وزارت دفاع این کشور برنامه‌ریزی کردند که چگونه می‌توانند از شرایط موجود و ظرفیت‌های مردمی برای جنگ استفاده کنند. امروز ما نیاز داریم که یک بار مهارت‌های مردم خودمان را کاملاً رصد کنیم تا دریابیم که در روز مبادا مهارت چه کسانی برای این کشور به کار می‌آید و اگر کسانی چند مهارت دارند، کدام مهارت‌شان در اولویت استفاده قرار دارد.

لقمه‌ی حرام مانند یک ویروس کشنده و خطرناک است که ایمنی دستگاه تشخیص و عملکرد افراد را به کلی نابود می‌کند. لذا یکی از اهداف اساسی ما باید این باشد که مسیر لقمه‌های حرام و میزان آن را در اقتصاد کشورمان بررسی کنیم و سپس با کانون‌های آن به شدت مقابله نماییم.

به گمان من برای این‌که عملیات جهاد اقتصادی ما موفق باشد، باید بازیگران اصلی این اقتصاد را نه به صورت کلی، که کاملاً جزئی تعیین کنیم. یعنی تقسیم‌بندی خود را از حالت مردم و مسئولین به یک تقسیم‌بندی تخصصی تبدیل کنیم که شامل اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، دانشجویان، طلاب، دانش‌آموزان، معلمان و زنان خانه‌دار و همه‌ی اقشار دیگر بشود.

مسأله‌ی هشتم، لزوم توجه و دلجویی و حمایت دولت از فعالان اقتصادی است. اگر دولت در شرایط عادی از فعالان

اقتصادی و از کشاورزان و کارگران و کارمندان حمایت کند، آن وقت می‌تواند انتظار داشته باشد که آنها هم در روز مبادا به کمک کشور بیایند. اما اگر دولت آنها را رها کند و به مشکلات آنها اهمیتی ندهد و فقط به فکر خود باشد، دیگر توانی برای مقاومت در این اقشار نمی‌ماند که بخواهند در روز مبادا مقاومت کنند؛ چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه‌شان به مالک اشتر به این معنا اشاره کرده‌اند.

نکته‌ی نهم، تحرک دستگاه دیپلماسی کشور برای فعال کردن ظرفیت‌های بالقوه و فرصت‌های جهانی در اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی در شبکه‌ای پویا از اقتصاد جهانی معنادار می‌شود و کشف و بکارگیری و ساخت ظرفیت این شبکه برعهده‌ی ماست. جهانی شدن اقتصاد موجب شده تا مقاومت اقتصادی نیز تعاریف جدید به خود بگیرد، لذا ما نیازمند بازیگرانی خاص در عرصه‌ی اقتصاد جهانی و بازی در لایه‌های مختلف آشکار و پنهان آن هستیم. همچنین لازم است تا گردآوری و استفاده از تجارب اقتصادی دیگر کشورها در زمینه‌های مشابه را مجدانه پیگیری کنیم. به هر حال ممکن است هر کشوری در یک برهه‌ای با مشکلات اقتصادی مواجه بوده باشد؛ اگر دستگاه دیپلماسی کشور این تجربیات را گردآوری کند و در اختیار فعالان و محققان اقتصادی بگذارد، این مسأله برای اقتصاد کشور بسیار راهگشا خواهد بود.

نکته‌ی دهم و پایانی، لزوم تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به گفت‌وگو میان رایج در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و مجامع مذهبی است. همین صحبت کردن و گفت‌وگو پیرامون این موضوع و توجه به ابعاد مختلف آن، در سرعت حرکت به سمت تحقق اقتصاد مقاومتی تأثیری بسزا خواهد داشت. این مسأله باید در کلاس‌های درس و پروژه‌های علمی از محققان و نخبگان خواسته شود و از سوی استادان اقتصاد که درد دین دارند یا حداقل آزاده و میهن‌دوست هستند، جدی گرفته شود.

مجموعه‌ی این مطالب، درآمدی بود بر مسأله‌ی اقتصاد مقاومتی برای آغاز بحث‌های علمی. البته مطالب هر بند نیازمند تفصیل و نقشه‌ی راهی مشروح است که با پیگیری دستگاه‌های مسئول در هر بخش، ان‌شالله ادامه می‌یابد.

با توجه به معنی و مفهوم اقتصاد مقاومتی، رابطه‌ی فرهنگ و این اقتصاد را بررسی میکنیم

اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی‌پذیرد که صرفاً مصرف‌کننده باشد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه ایستادگی می‌کند.

هر جامعه‌ای سه رکن اساسی دارد؛ فرهنگ، سیاست و اقتصاد. این سه رکن متقوم هم هستند و از بین آنها، فرهنگ نقش مهم‌تری دارد. بنابراین اقتصاد در تبعیت از فرهنگ عمل می‌کند. اساساً اقتصاد، ارزش‌ها و جهت خود را از فرهنگ متبوع خود می‌گیرد. بنابراین تا فرهنگ مقاومتی نباشد، اقتصاد هم مقاومتی نخواهد شد. پس این دو با هم یک رابطه‌ی طولی دارند.

#### **الگوی مناسب برای این رابطه:**

بهترین الگو برای ایجاد رابطه‌ی فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، الگوبرداری از فرهنگ بسیج و دفاع هشت ساله‌ی ما در برابر همه‌ی دنیا است. در جنگ تحمیلی با تکیه بر فرهنگ عاشورا، بزرگ‌ترین جبهه‌ی مقاومت در مقیاس عمومی و در تمامی سطوح جامعه شکل گرفت. عامل اصلی این مقاومت گسترده «مذهب و باورهای اعتقادی» بود. این عامل هم بر دو رکن اساسی استوار بود؛ رکن اول «عاشورا و شهادت» و رکن دوم «انتظار و ظهور منجی مصلح».



فرهنگ اقتصاد نیز همچون فرهنگ سیاست به مجموعه‌ی باورها، ارزش‌ها و رفتارها و نمادها در حوزه‌ی ثروت اطلاق می‌شود که با تغییر یا تحول آن، اقتصاد مقاومتی نیز دچار تغییر و تحول خواهد شد. پس هر گونه تحول مثبت یا منفی در فرهنگ سیاست (قدرت)، فرهنگ اقتصاد (ثروت) و فرهنگ اجتماع (هنجارها و رفتارها) مستقیماً بر اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد.

پیش‌شرطها و پیش‌نیازهای فرهنگی برای تحقق و دستیابی ملت ما به اقتصاد مقاومتی مادامی که خاستگاه «فرهنگ اقتصاد» بر پایه‌ی مفاهیمی همچون «سودمخوری»، «سرمایه‌سالاری» و «تکثرگرایی» باشد و کارشناسان و مدیران اقتصاد به این دسته از معادلات وفادار باشند، اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی مورد نظر نظام اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. به عبارت دیگر، هرگاه مفاهیم، تعاریف، سیاست‌ها، قوانین، ساختارها، ضوابط و مدیریت اقتصادی حول محور «اقتصاد سرمایه‌داری» تعریف شود، نمی‌توان از تولید ثروت بر پایه‌ی جهاد و مقاومت و اخلاص و ایثار سخن گفت. پس می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت و نوع فرهنگ حاکم بر اقتصاد می‌تواند پذیرای مفهوم ارزشی جهاد و مقاومت باشد یا نباشد.

این پیش‌نیازهای فرهنگی چگونه محقق میشوند؟

تحقق پیش‌نیازهای فرهنگی را باید در سه سطح بنیادی، تخصصی و عمومی دنبال کرد؛ در سطح بنیادی که نیاز به استخراج فقه نظام اقتصادی و نظام‌سازی مبتنی بر آن توسط فقها و کارشناسان فقه ما دارد، در سطح تخصصی که نیاز به بازنگری در مفاهیم، تعاریف، سیاست‌ها، قوانین و ضوابط اقتصادی موجود کشور و نظریه‌پردازی و الگوبرداری بر اساس مفاهیم و تعاریف جدید و هماهنگ با نگاه ارزش‌محور دارد، و بالأخره در سطح عمومی که نیازمند آموزش و ظرفیت‌سازی و فرهنگ‌سازی در سطح کارشناسان و کارگزاران نظام اسلامی و مردم است.

**رابطه و نسبت بین «فرهنگ اقتصاد» و «اقتصاد فرهنگی»:**

باید بگوییم که یکی از محورهای مهم در عرصه‌ی اقتصاد اسلامی، اقتصاد فرهنگ است که شامل همه‌ی منابع انسانی، مالی، تجهیزات، سخت‌افزار، فضا و امکانات می‌شود. اقتصاد بخش فرهنگ نقش مؤثری در پیشرفت فرهنگ اسلامی در سطوح مختلف جامعه دارد. اگر اقتصاد فرهنگ مبتنی بر فرهنگ اقتصادی منبعث از اسلام نباشد، نه تنها موجب پیشرفت جامعه‌ی اسلامی نخواهد شد، بلکه به عنوان یک اهرم بازدارنده و مخرب هم عمل خواهد کرد و مانع پیشرفت فرهنگ اسلامی در تمامی ابعاد خواهد بود. پس اگر فرهنگ اسلامی را پایه و اساس شکل‌گیری تمامی پدیده‌ها و از جمله نظام اقتصادی بدانیم، آن‌گاه در خواهیم یافت که اقتصاد فرهنگ تابعی از فرهنگ اقتصاد است که امروزه از آن به عنوان مکتب اقتصادی یاد می‌کنند.

پس اقتصاد مقاومتی یکی از ارکان «مکتب اقتصاد اسلامی» به حساب می‌آید که دیگر ارکان آن شامل «عدالت اقتصادی»، «تدبیر معیشت» و «عقلانیت اقتصادی»، الگوی تولید، توزیع و مصرف اقتصادی است. ارکان مذکور را اصطلاحاً «فرهنگ اقتصاد» می‌نامند. حال اگر اقتصاد خالی از این ارکان باشد، دیگر نمی‌توان آن را اقتصاد اسلامی نامید. پس اسلامیت اقتصاد متقوم به وجود معنویت، عدالت و عقلانیت برخاسته از فرهنگ اسلامی در همه‌ی عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف ثروت است. فرهنگی مبتنی بر معنویت و عدالت و عقلانیت دینی، فرهنگی مقاوم و سالم و مقتدر هم خواهد بود. آن‌گاه حضور و جریان این فرهنگ در دیگر ابعاد جامعه و از جمله حضور فرهنگ در نظام سیاسی، حضور فرهنگ در نظام فرهنگی و حضور فرهنگ در نظام اقتصادی موجب سلامت نظامات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد شد.

در پایان از گزارش فوق می توان این نتیجه را گرفت که : در مرحله ی نخست و به وسیله ی فرهنگ دینی باید تمامی نظامات جامعه را مهندسی کرد. در مرحله ی دوم وقتی که این نظامات شکل گرفت، یعنی هرگاه نظام اقتصادی بر پایه ی فرهنگ دینی تعریف و مهندسی شد، آن گاه اقتصاد سیاست و اقتصاد فرهنگ و اقتصاد در حوزه ی اقتصاد نیز پاک و تعالی بخش و مقاوم و بالنده خواهد بود و می تواند در خدمت اهداف بلند و تعالی بخش و انسان ساز اسلام باشد.

### چرا اقتصاد مقاومتی اهمیت دارد؟

ریشه فکری مشکلات اقتصادی، فقدان خودباوری و وابستگی فکری به غرب است؛ غربی که در سرآشویی سقوط قرار گرفته و برای نجات خود، سالهاست که نابودی ملتها را در دستور کار قرار داده است. دست آوردهای نظری و تجربه ۳۵ سال گذشته نشان می دهد که بهبود معیشت مردم نه از طریق اقتصاد مبتنی بر لیبرال سرمایه داری بدست می آید و نه اقتصاد تمرکزگرا.

موسسات و نسخه های طراحی شده نهادهای اقتصاد سرمایه داری نمی تواند با شرایط دینی و ملی و نیز منافع مردم کشورمان منطبق شود و این امر موجبات تکاثر ثروت و شکاف طبقاتی را فراهم می آورد. تکیه بر سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی و توصیه های آنها که از دولت سازندگی آغاز شد، تا به امروز به یکی از محورهای آسیب زا در اقتصاد کشور تبدیل شده است. به دنبال این توصیه ها، افکار شکل گرفته شبه روشنفکران در ادبیات اقتصاد سرمایه داری، موجبات حاکمیت گفتمانی تک ساحتی را فراهم آورده است که اجازه هر نوع دگراندیشی را سلب می نماید. راهکارها و چاره جویی های کلیشه ای این جریان فکری که مبتنی بر همان نسخه های قدیمی است، نتایج زیانباری را برای اقتصاد و معیشت مردم به همراه آورده است. وابستگی به ارز دلاری، اختصاصی سازی به جای مردمی سازی و رشد بی رویه بازارهای سفته بازی و واسطه گری نتیجه این جریان فکری است.

### آیا مقاومت در برابر فشارها و تحریمهای خارجی، مشکلات اقتصادی را بیشتر نمی کند؟

یکی از ترفندهای دشمن و نظام سلطه برای عقب ننگ داشتن کشورها، ایجاد بحرانها و نوسانات کاذب در اقتصاد آن کشورست. این بحرانها می توانند از یک سو تهدید و از یک سو فرصت قلمداد شوند. اگر مردم و مسولین کشور صرفا به فکر راه حل های کوتاه مدت، مقطعی و به اصطلاح مسکنی باشند، ساختارهای اقتصادی تغییری نکرده و همه امکانات کشور صرف فرو نشانندن نزاعها و نوسانات خواهد شد و منابع کشور به هدر خواهد رفت. در این صورت قطعاً چنین شرایطی یک تهدید بزرگ محسوب می شود. اما اگر این فشارها باعث تغییر و اصلاح در ساختارهای اقتصادی یک کشور گردد، در نهایت به خودکفایی، استقلال و بی نیازی کشور منجر می شود که همان مقاوم سازی اقتصادست. لازمه این امر، حضور یک تفکر نظام مند، بلند مدت و استراتژیک است تا بتواند این فرصتها را در ساختار کشور فراهم نماید.

مصالحه و سازش با قدرتهای سلطه گر، موجبات افزایش وابستگی، برونزایی اقتصاد، تعطیلی نهادهای تولیدی و مزیت‌های بومی و نهایتاً فلج شدن کل اقتصاد را به همراه دارد که با منافع مردمی ناسازگارست. ما نمی‌خواهیم به شیوه برخی کشورهای منطقه با غرب تعامل خام فروشی در ازای تسهیلات وارداتی داشته باشیم. برده وار باج بدهیم و کالاهای لوکس مصرفی وارد نماییم. عزت و استقلال ملی در برابر زیاده خواهی قدرتهای سلطه جو، احیاکننده توانهای داخلی کشور است. البته این امر به معنای انزوا یا کناره گیری از اقتصاد جهانی نیست بلکه برعکس، اقتضای تمدن چنددهزارساله ایران اسلامی، تعاملی شکوهمندانه و عزت‌مندانه با اقتصاد جهانی است، به طوری که قواعد این بازی مقتدرانه به نفع مردم کشورمان رقم بخورد. سازش با غرب (تحت هر عنوانی از قبیل تنش زدایی، تعامل و...) در شرایط فعلی که هنوز ساختارهای تولیدی کشور به خودکفایی نرسیده است و توان اقتصادی موردنیاز به فعلیت نرسیده است، تعاملی تحقیرآمیز خواهد بود و ما را به یک خام فروش دلال صفت، تبدیل خواهد کرد.

در صورتی که اقتصاد مقاومتی در کشور شکل بگیرد و مدیران و دولت‌مردان به معنای اعم کلمه (قوای سه‌گانه) دست به دست هم دهند تا آن را اجرایی کنند در آینده بسیار نزدیک شاهد رشد و شکوفایی اقتصاد کشورمان خواهیم بود.

اما در این بین هر موضوعی دارای الزاماتی است که می‌بایست به آن توجه ویژه و جدی شود. اقتصاد مقاومتی هم از این قاعده مستثنی نبوده و دارای ملزوماتی است که در صورتی که به درستی شناخته و اجرایی شود، امید آن خواهد بود که اقتصاد مقاومتی به بهترین شکل اجرایی شود. این الزامات عبارت‌اند از:

#### الف- توجه جدی و حمایت دائمی از بخش کشاورزی

وجود شرایط آب و هوایی چهار فصل و موقعیت جغرافیایی کشورمان بستر مناسبی برای افزایش تولید محصولات کشاورزی برای تأمین نیازهای داخلی و صادرات را فراهم ساخته است. از نگاه رشد و پیشرفت اقتصادی، بخش کشاورزی در فرآیند رشد و توسعه کشور وظایف مهم و اساسی را بر عهده دارد. اگرچه طی این سال‌ها سیاست خودکفایی در تولید بسیاری از محصولات راهبردی، در دستور کار قرار داشته است و در تولید برخی محصولات از جمله گندم محقق گردید اما به نظر می‌رسد هنوز بخش کشاورزی توان رقابت با محصولات خارجی را نداشته و واردات بی‌رویه‌ی تولیدات کشاورزی به این بخش، ضربات سهمگینی وارد نموده است.

#### ب- مدیریت بر واردات

کنترل واردات محصولات مصرفی از طریق تشدید ضوابط و استانداردهای لازم یکی از کارهایی است که تا حدی شروع شده و دستاوردهای مؤثری هم به دنبال داشته است؛ اما این روند باید دقیق‌تر دنبال شود. افزایش تعرفه و ایجاد الزام برای دریافت مجوز از وزارتخانه‌های متبوع می‌تواند یکی از راه‌های کاهش واردات باشد. واردات در کشور ما تا حدود زیادی به دلیل فرهنگ غلطی که در حوزه مصرف در کشور وجود دارد، واردات کالاهای لوکس را افزایش داده است.

ج- جلوگیری از خام فروشی نفت

تحریم نفت، فرصت مناسبی است تا به جای خام فروشی نفت، با تبدیل نفت به محصولات متنوع پتروشیمی، بنزین و انرژی‌های دیگر، ضمن ایجاد ارزش افزوده و تأمین نیازهای داخلی در این عرصه، به راحتی محصول نهایی را در بازار جهانی صادر کنیم. با توجه به فناوری‌های پیچیده و روز دنیا، کشورهای صنعتی از هر بشکه نفت خام حداقل ۲۲۰ دلار و حداکثر ۱۳۷۰ دلار بهره‌برداری می‌کنند؛ ما هم اگر با نگاه اقتصاد مقاومتی خام فروشی نفت را کم یا قطع کنیم ارزش افزوده بیشتری به دست خواهیم آورد.

د- اصلاح ساختار مالیاتی

یکی از روش‌های معقول اقتصادی فراهم‌سازی بسترها برای تحقق نظام مالیاتی در کشور است که دولت با طیب خاطر می‌تواند روی درآمدهای آن حساب باز کند. اگرچه در طرح تحول اقتصادی، یکی از هفت نظام، اصلاح مالیات بود و قدم‌های خوبی هم برداشته شد؛ اما هنوز فاصله درآمد مالیاتی ما با میانگین جهانی و میانگین درآمد مالیاتی بسیاری از کشورها فاصله زیادی دارد؛ اما در این بین موضوع فرار مالیاتی اهمیت خاصی دارد که باید برای آن تدابیر ویژه‌ای صورت بگیرد؛ زیرا برخی برآوردها نشان می‌دهد میزان فرار مالیاتی حداقل دو برابر درآمد مالیاتی بالقوه‌ی فعلی است. در صورت اصلاح این سیستم مالیاتی می‌توان امیدوار بود که خام فروشی نفت کاهش یافته و به سمت اقتصاد خودکفا که نتیجه اقتصاد مقاومتی است حرکت کنیم.

ه- تولید محور بودن سیاست‌گذاری‌ها

تولیدمحوری باید سنج‌های سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور باشد؛ یعنی باید در سیاست‌های ارزی، در سیاست‌های پولی و مالی، در سیاست‌های تجاری و در سیاست‌های بانکی و مالیاتی برای تولید اولویت قائل باشیم. تجلی ملموس این مطلب این‌گونه خواهد بود که اگر جایی ناچار بودیم بین تولیدگرایی و مصرف‌گرایی انتخاب کنیم، باید تولید را مقدم بدانیم. این مطلب مثلاً در اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند تجلی بسیار ملموسی داشته باشد. در مجموع سیاست‌گذاری‌ها باید به سمتی برویم که توان برنامه‌ریزی مدیران ما افزایش یابد. به این معنی که از تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها اجتناب کنیم تا مدیران ما بتوانند برای آینده برنامه‌ریزی کنند.

آنچه بیان شد برخی از الزاماتی است که می‌بایست در حوزه اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی به آن‌ها توجه ویژه شود. از همین رو، توجه به موضوعات بالا در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها می‌تواند تا حدود زیادی اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی را در صحنه اجرایی کشور نوید دهد.

محمد حسین بهرامی

منابع:

ویکی پدیا فارسی

راسخون

تارنما موسسه اعتباری ثامن

تارنما نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

الگوها

فرهنگ نیوز